بسم الله الرحمن الرحیم

درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری

جلسه 108: چهارشنبه 4/4/۱۳۹۹

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

اللهم کل لولیک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائداً و ناصرا و دلیلاً و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

بحث سر این هست که عدة وطی به شبهه اگر شبهه نسبت به ازدواج موقت باشد، این عده‌اش به چه شکل هست؟ عرض کردم وطی به شبهه دو گونه تصویر می‌شود. یک گونه این هست که یک عقد فاسدی خوانده شده. طرف نمی‌دانسته عقد فاسد است. با همین موطوئه عقد خوانده شده، ولی عقدش فاسد بوده. یک جور دیگر این هست که نه با این موطوئه عقد خوانده نشده، یک عقد صحیح دیگری خوانده شده. این موطوئه را تصور شده که متعلق آن عقد صحیح هست. علی ای تقدیر یک عقد صحیحی اینجا مطرح هست، آن عقد صحیحی که یک عقد صحیح فرضی یا یک عقد صحیح واقعی است که بر غیر این مورد وطی و موطوئه صورت گرفته.

ظاهر کلام مرحوم سید این هست که اگر به نکاح موقت فاسد باشد، گویا تمایل دارد که عدة وطی به شبهه در این صورت عدة عقد موقت و عقد انقطاعی باشد. ولی مرحوم میرزای قمی در جامع الشتات که به یک تناسبی به این بحث اشاره فرمودند، بحث ایشان به این شکل نیست.

عبارت مرحوم میرزای قمی را بخوانم بد نیست. ایشان می‌گوید:

«371: سؤال:

زنى خود را متعه‌ی مردى كرده بدون اطلاع ثالثى، و معلوم نيست كه صيغه بر وجه صحيح خوانده باشند. و در مدت تمتع هم عزل كرده كه فرزند از او نشود.

و بعد از انقضاى مدت به يك طهر عده داشته. و به مردى شوهر كرده به عقد دائم. و بعد از انقضاى سه طهر حامله شده باشد. آيا عقد متعه صحيح است يا نه؟. و بر فرض صحت، بر زوج ثانى حرام است يا حلال؟. و بر فرض حرمت، ابدى است يا نه؟. و اولاد از كيست؟.»

صحبت‌هایی که یک مقدار بحث‌ۀایی را مطرح می‌کند.

تا می‌آید به اینجا، جامع الشتات، جلد ۴، صفحة ۵۸۳:

«جواب: «... و اما سؤال از حال عقد متعه كه بدون اطلاع ثالثى شده، پس آن ضررى ندارد هر گاه صيغه بر وجه صحيح در ميان آنها واقع شده باشد. و اما هر گاه صيغه بر وجه صحيح واقع نشده و لكن زوجين به گمان صحت كرده‌اند كه نكاح فاسد باشد و لكن گمان كرده‌اند كه به همان صيغه حلال مى‌شود، پس داخل وطى شبهه است. و از براى آن نيز عده واجب است. و عقد دوم باطل است هر گاه در عده باشد. و هر گاه دخول هم در عده باشد باز حرام ابدى است.»

بعد آن تکه‌ای که می‌خواهم بگویم: «و ظاهر اين است كه عدهة آن عقد فاسد در آنجا نيز عدّه‌ی متعه باشد، اگر چه احوط مراعات عدة طلاق است.»

بعد ایشان یک توضیحی می‌دهد: «و توضيح اين مطلب اين است كه: اعتبار در عده به حال زن است نه به حال مرد. پس عدة زن آزاد مثلا سه طهر است هر گاه «ذات اقراء» باشد هر چند شوهر او عبد باشد.

و عدة معقوده كه مملوكه غير باشد دو طهر است هر چند شوهر او آزاد باشد. و اقسام كنيز هم همه مساويند در عده. و اگر بعض آن حرّ باشد و بعض آن رقّ، در حكم حرّه است، به جهت تغليب جانب حريت. و هم چنين هر گاه آزادى به عقد فاسدى كنيزى را بگيرد عدة او دو طهر است. و هم چنين هر گاه به عنوان شبهه با كنيزى كه معقوده‌ی غير باشد وطى كرد عدة آن دو طهر است مثل طلاق صحيح، يا انقضاى مدت متعه. و هر گاه آن كنيز موطوئة غير است به ملك يمين، عدة آن يك حيض است.

و در وطى شبهه‌ اعتبارى به گمان واطى نيست.

پس هر گاه كسى به عنوان شبهه با كنيزى وطى كرد به گمان اين كه زن آزاد دائمى خود است، عده‌ی او دو طهر است هر گاه آن كنيز معقوده‌ی غير است، و يك حيض است هر گاه موطوئه به ملك يمين است. و هم چنين هر گاه به گمان اين كه متعة آزاد او است. و هم چنين هر گاه با زن آزادى وطى كند به گمان اين كه مملوكة اوست، آن زن عده‌ی زن آزاد مى‌گيرد.

و شهيد ثانى- در حاشيه‌ی مسالك كه به خط او بود ديدم كه- اين را نسبت به ظاهر اصحاب داده. و آن مقتضاى اطلاق اخبار است. و در آن حاشيه گفته كه اعتبار مى‌شود گمان واطى، و شبهه را نازل منزلة اصل قرار داده. و آن مقتضاى اطلاق اخبار است. پس عده مى‌گيرد مثلا زن آزاد از واطى [اى] كه به گمان كنيز معقوده با او وطى كرده به دو طهر، و از واطى [اى] كه به گمان مملوكه بودن به ملك يمين كرده به يك حيضه. و اين قول ضعيف است.

و از جمله فروع مسأله (بنا [بر] مشهور) اين است كه شخصى با متعة غيرى وطى كند به گمان اين كه زوجة دائمى خود است بر زوجه عدة متعه لازم است كه دو طهر باشد از براى وطى شبهه. و هر گاه با زوجة دائمى حرة غير وطى كند به گمان اين كه متعة خودش است بر زوجه لازم است عدة حرة دائمه. و مشكل مى‌شود مقام در جائى كه زن آزادى كه معقودة كسى نباشد و كسى با او وطى كند به شبهه در خواب، يا كنيزى كه معقودة غير نباشد و مولايى هم كه با او وطى كند ندارد (مثل كنيز زن يا طفل صغير) و با او كسى وطى كند در خواب به عنوان شبهه. آيا بر آن زن آزاد عدة طلاق لازم است، يا عدة متعه؟ و بر آن كنيز عدة معقوده لازم است، يا عدة موطوئه به ملك يمين. و اين اشكال بر مشهور وارد است كه گمان واطى را اعتبار نمى‌كنند. و الحال در نظرم نيست كلامى از فقها در اين. و احوط اعتبار عده[اى] است كه بيشتر باشد، نظر به استصحاب.

هر چند اصل برائت مقتضى اقل باشد.

پس در صورت سؤال اصل مسأله، بنا بر اين كه صيغة متعه بر وجه صحيح واقع نشده و به مظنة حليت دخول واقع شده، از باب وطى به شبهه مى‌شود. و چون گمان زوجين هر دو اين است كه عقد تمتع است، پس عده را عدة متعه قرار مى‌دهند. هر چند نظر به اين اشكالى كه در آخر كرديم احوط آن است كه عدة طلاق بگيرد.»

این کلام مرحوم میرزای قمی بود که از آن دو تا وجه در مسئله هم استفاده می‌شود و ملاک را گمان مرد قرار بدهیم یا ملاک را گمان زن قرار بدهیم.

من قبل از این‌که این بحث را توضیح بیشتر بدهم، به نظر من اینجا در بحث ما حق با شهید ثانی هست و آن مطلبی که به مشهور نسبت داده شده، آن درست نیست، بنابراین که ما گفتیم در شبهه بودن ملاک واطی است، اگر واطی به شبهتاً وطی کرده باشد، باید وطی به شبهه به شبهه بودن وطی در نزد واطی است. شبهه بودن وطی در نزد موطوئه ملاکی نیست. بنابر این اگر واطی عالم باشد و فعل نسبت به او زنا تلقی بشود و موطوئه جاهل باشد و وطی نسبت به او وطی به شبهه باشد گفتیم عده ندارد. قبلاً بحث این را کردیم که این عده ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد اگر مدار را بخواهیم مطرح کنیم، مدار نظر واطی، گمان واطی است. اعتقاد واطی را باید ملاک قرار داد که به چه گونه‌ای بود. به هر حال از عبارت مرحوم میرزای قمی استفاده می‌شود که باید دید به چه گمانی واطی این وطی را انجام داده. لازم نیست حتماً عقدی نسبت به موطوئه صورت گرفته باشد. اگر نه به گمان این‌که این موطوئه معقودة متمتع بهای خودش است، عقد می‌کند، حالا ایشان گمان را، گمان موطوئه را قرار می‌دهد. حالا فرض کنید که در جایی که هر دو طرف گمان دارند که قدر مسلم قضیه هست، اینجا باید بنابر این قول، بنابر کلام مرحوم میرزای قمی این هست که ازدواج متعه را باید ملاک قرار داد و عدة متعه نگه داشته می‌شود. حالا این بحث را فعلاً داشته باشید.

اما اصل این‌که چرا اینجا عدة ازدواج موقت باید نگه داشته باشد، به نظر می‌رسد مرحوم سید ممکن است اینجوری بفرماید. بفرماید آن ادله‌ای که ثلاثة قروء و ثلاثة اشهر را بعضی روایاتی را که دارد، آن روایات مربوط به دائمی هست، عده داشتن وطی به شبهه در عقد متعة فاسد را ما در واقع به اجماعی ثابت کردیم یا با اطلاقات ادله‌ای که به دخول عده را واجب کرده دانستیم. اطلاق ادله‌ای که گفته به دخول عده واجب هست، اطلاق مقامی اقتضاء می‌کند که این وطی به شبهه‌ای که اینجا واقع شده به منزلة این باشد که وطی به شبهه نشده باشد.

حالا من یک توضیحی اینجا عرض بکنم، بعضی وقت‌ها در روایات ما وارد شده که شخصی که حائض هست باید غسل کند. خصوصیات این غسل را بیان نکردند که این غسل چجوری باید انجام بشود، احکامش چه شکلی است. در مقام بیان خصوصیات هم نبودند که اطلاق داشته باشد. این چه شکلی است؟ اینها می‌گویند، مرحوم آقای حکیم دارد، واگذار کرده است بیان اجزاء و شرائط و احکام غسل حیض را به یک غسل متعارفی که افراد نسبت به اجزاء و شرائط و موانع و احکامش التفات دارند به آن غسل جنابت است. در ما نحن فیه هم وقتی می‌گوید وطی به شبهه عده دارد، در واقع می‌خواهد اینجوری بگوید، اگر شبهه نبود چه شکلی بود؟ اگر شبهه نبود کأنّ. اگر واقعاً این صحیح بود، آن گمانی که این طرف داشت صحیح بود و واقعاً این معقوده‌اش بود چطوری عده نگه می‌داشت؟ همان را الآن نگه دارد. یعنی شارع مقدس به اعتقاد فاسد مخالف واقع واطی یا کلا الطرفین، بنابر آن تفصیلی که عرض کردم بین مشهور و شهید ثانی از عبارت جامع الشتات استفاده می‌شود، شارع مقدس به این اعتقاد مخالف واقع ترتیب اثر داده، گفته کأنّ این اعتقاد مطابق واقع‌اش را شما موافق واقع فرض کن. اگر موافق واقع بود چجوری بود، این حکم مدار او هست. البته اینجوری ممکن است ما اطلاق مقامی را قائل بشویم.

این بیان بر مبنایی هست که ممکن است یکی دو تا اشکال به این بیان مطرح بشود. یک اشکال این هست که اگر ما یک روایاتی داشته باشیم در خصوص وطی به شبهه، گفته وطی به شبهه عده دارد. ذکر نکرده عده‌اش چه شکلی است. ما می‌گوییم کأنّ شارع مقدس می‌گوید اگر این شبهه نبود ببین چه عده‌ای داشت، این شبهه اعتقادی که مخالف واقع هست، اعتقاد موافق واقع قرار داده. ولی این شکلی که نبوده. شارع گفته دخول عده دارد. این دخول عده دارد به‌طور کلی گفته. این معنایش این است که واگذار کرده به یک مطلبی که معروف هست. این‌که مطلقه عده دارد ممکن است ما بگوییم اطلاق قضیه اقتضاء می‌کند که واگذار کرده بیان حکم عدة وطی به شبهه را به عدة طلاق که یک مطلبی هست در قرآن آمده و در سیرة مسلمین عده‌اش معروف بوده و مشهور بوده. نه عدة عقد موقت که خیلی هم شایع نبوده در میان مسلمان‌ها و یک امر قاچاقی هم تلقی می‌شده به آن واگذار نکرده باشد. این یک نکته.

نکتة دوم این‌که اصلاً ما اطلاقات داریم یا نداریم؟ ما که اصل اطلاقاتی که اقتضاء بکند هر دخولی عده داشته باشد را انکار کردیم. گفتیم این در مقام بیان عده داشتن هر دخولی نیست. آن دخولی که عده دارد را، آن می‌خواهد بگوید که نفس دخول تمام الموضوع در عده هست. مقدمات دخول لازم نیست. مؤخرات دخول که انزال باشد، آن هم، مقدمات دخول کافی نیست. مؤخرات دخول هم لازم نیست. ما گفتیم روایات در این مقام هست، همچنان هم که حاج آقا هم در بیانشان اشاره فرمودند. بنابراین اصلاً اطلاقی ما نداریم.

به نظر می‌رسد من فکر می‌کنم که به دو بیان می‌توانیم این‌که عده‌اش، عدة عقد موقت هست این دو بیان را تمام کنیم.

یک بیان این‌که اصل این‌که وطی به شبهه‌ای که شبهة عقد موقت در آن باشد، عده داشته باشد، اصل این ما به نظرمان هیچ یک از ادله مستقیماً دال بر این نیست. عرض کردم روایت‌هایی که در مورد وطی به شبهه وارد شده، این روایت‌ها انصراف دارد به عقد دائم. این‌که انصراف دارد حکم عقد موقت را ما در واقع از الغای خصوصیت در عقد موقت استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد که در واقع عرف وقتی در عقد دائم حکم عده را حکم طلاق قرار داده، یعنی این‌که اعتقاد صحیح را، اعتقاد نادرست را به منزلة اعتقاد صحیح قرار داده. یعنی عرف می‌گوید که شارع مقدس کسی که اشتباه کرده، این اشتباه کردن را مثل زانی قرار نداده، اشتباه را، کسی که اشتباه کرده، خیال کرده که این معقوده‌اش هست، این زن او هست، این را در احکام عده به منزلة زن تلقی کرده. یعنی از خود همان ادلة ازدواج دائم که عدة طلاق را بر آن ثابت کرده، کأنّ ازدواج عقد وطی به شبهه حکم این را دارد کأنّ عقد دائمی بوده است که طلاق داده و جدا شده. شارع مقدس اینجوری حکم را بار کرده، کأن عقد دائمی هست. از همین عرف استفاده می‌شود اگر این اعتبارش عقد موقت باشد حکم به عدة عقد موقت باید نگه دارد.

فکر می‌کنم از نحوة استدلالاتی که عامه هم در این مسئله دارند، تعبیر می‌کنند عدة عقد وطی به شبهه. در عامه عرض کردم یک سری عامه اساساً برای وطی به شبهه خصوصیت قائل نیستند. می‌گویند مطلق وطی چه به شبهه باشد، چه زنا باشد، هر چی باشد عده دارد. ما گفتیم مطلب صحیح نیست، در مورد زنا حکم ثابت نیست، حکم فقط در مورد وطی به شبهه است. در این فضایی که زنا را می‌گوید عده ندارد. وطی به شبهه عده دارد، آن هم عدة طلاق، این فضایی که در مقابل اعتقاد عامه‌ای که بعضی از عامه که در زنا عده قائل هستند، بعضی‌ها فقط در خصوص وطی به شبهه قائل هستند، وطی به شبهه را آنها هم به یک ادلة خاصی تمسک نمی‌کنند کأنّ می‌گویند این وطی احترام دارد مثل زنا نیست که احترام نداشته باشد. اعتقاد فاسد باعث می‌شود این وطی احترام داشته باشد، به این اعتقادش ترتیب اثر داده بشود. یعنی آن نکته‌ای که با توجه به ذهنیت عامه شکل می‌گیرد، این است که شارع مقدس اعتقاد شخص را به این اعتقاد ترتیب اثر داده، گفته چون اعتقاد داشته معقودة خودش هست این وطی باید عده نگه دارد، به منزلة این است که این اعتقاد مطابق واقع باشد و خود واطی آن زن را طلاق داده باشد و از او جدا شده باشد. در این فضا به نظر می‌رسد استفاده می‌شود که اگر واطی تخیل می‌کند که این ازدواج، ازدواج موقت است، شارع مقدس این را به منزلة این قرار داده کأنّ ازدواج موقتی بوده است که با انقضای مدت یا هبة مدت به پایان رسیده باشد. این یک مقداری شمّ الفقاهة در اینجور امور دخالت دارد که ما اینجور موارد را ذکر بکنیم.

می‌ماند شبهه‌ای که مرحوم میرزای قمی در انتهای کلامشان مطرح فرمودند.

مرحوم میرزای قمی مطرح کرده بودند که اگر این شبهه‌ای که مرحوم میرزای قمی مطرح کردند هم به مشهور وارد است هم به صاحب مسالک، مرحوم شهید ثانی مربوط است. شهید ثانی مدار را بر گمان واطی قرار داده بودند و به مشهور نسبت داده بودند که گمان موطوء ملاک هست. حالا اگر یک جایی آن موطوء اصلاً گمانی نداشته باشد، یا واطی گمان نداشته باشد، چون در خواب اتفاق افتاده باشد. یعنی آن موطوء که مثلاً، مشهور، نه این‌که گمان موطوء. مشهور اصلاً گمان را برایش موضوعیت قائل. علی ای تقدیر.

از عبارتی که شهید ثانی استفاده می‌شود می‌گویند که مدار را بنابر مشهور این هست که آن واطی به چه نحو باشد؟ آیا آن واطی.

«و مشكل مى‌شود مقام در جائى كه زن آزادى كه معقودة كسى نباشد و كسى با او وطى كند به شبهه در خواب»

به نظر می‌رسد آنجوری که ایشان بحث را دنبال کرده آن این هست که اصلاً باید دید که زن آیا معقودة به عقد دائم است یا معقوده؟ نه این‌که گمان زن را ملاک قرار بدهیم. زن معقودة به عقد دائم است، یا معقودة به عقد موقت است. اگر معقودة به عقد دائم باشد مدار عدة طلاق است، اگر معقودة به عقد موقت باشد، عدة عقد موقت است. یک صورت روشنش این است که زن اگر معقوده نباشد. یا معقودة فاسده باشد. خیلی از مواردی که هست معقودة فاسده است. نکاح فاسد روایت‌هایی که ما داریم خیلی‌هایشان نکاح فاسد هست، اگر معقوده نبودند. بنابراین به آنجوری که اصلاً هیچگونه گمان را بر آن ترتیب اثر ندهیم، اینکه نمی‌شود. شاید مشهور در واقع گمان زن را ملاک قرار دادند. عبارت اصلی مسالک را ندیدم، نمی‌دانم حاشیة مسالک که به خط او بود هست نیست، نمی‌دانم این کجا هست.

عبارت مرحوم شهید ثانی در حاشیة مسالک را که مرحوم میرزای قمی نقل کرده، ما اصل عبارتش را در اختیار نداریم که ببینیم که ایشان چی می‌خواهند بفرمایند. آن چیزی که حالا به نظر می‌رسد این هست که از ادلة وجوب عده در وطی به شبهه استفاده می‌شود که اگر شبهه، شبهة عقد موقت باشد، عده‌اش هم عدة عقد موقت هست. آن اشکال مرحوم میرزای قمی اینجا پیش می‌آید که اگر شبهه‌اش، اصلاً معلوم نباشد شبهة چی است. اگر واطی در خواب وطی بکند و از سر غفلت وطی کند، اصلاً حواسش نباشد که چی به چی است و این هیچگونه علم و امثال اینها در موردش مطرح نباشد، این چه حکمی دارد؟ به نظرم اگر مسلّم باشد که این عده دارد که به نظرم خیلی هم مسلّم نیست. معلوم نیست که ما در اینجا عده را ثابت بدانیم. این‌که در این فرض نادر بگوییم حتماً باید عده ثابت باشد معلوم نیست. نه، عده شارع به اعتبار این‌که اعتقاد خلاف واقع را به منزلة اعتقاد واقعی قرار داده است. از مواردی که وطی به شبهه در روایات ثابت شده، الغای خصوصیت بکنیم حکم این صورت را به دست بیاوریم، نه اصلاً اینجا عده ندارد، مانعی ندارد، ما ملتزم بشویم که در این صورت عده ندارد. دلیل ندارد که اینجا حتماً ما قائل به عده بشویم.

اگر نه، ما مسلم دانستیم که عده دارد، اینجا اصل برای ما ثابت شده که یک عده دارد، دیگر با استصحابی چیزی اینها، حکم مسئله استفاده بشود. اگر استصحاب بقای عده را بتوانیم بکنیم، استصحاب بقای عده، و الا به اصل عملی خلاصه باید مراجعه کنیم. این‌که در خصوص این مورد ادله قاصر باشد، ادلة لفظیه قاصر باشد مشکلی نیست. بحث ما سر این بود که این‌که، حتی در مورد عدة عقد موقت هم ادله قاصر باشد و ما با استصحاب بخواهیم یک عده‌ای را ثابت کنیم مشکلی اینجا نیست. مشکل قضیه این هست که دلیلی ذکر کرده باشند که مثلاً فلان وطی به شبهه عده دارد، عده‌اش را تعیین نکرده باشند، باید بگوییم که این را به یک چیزی واگذار کردند. بیان کیفیت عده را باید به یک اطلاقی چیزی واگذار کرده باشند که ما دنبال این می‌گردیم که به چی واگذار کردند. ولی ما هیچ مشکلی نیست، شارع مقدس اینجا، ما از اجماعی، چیزی فهمیدیم این حتماً عده دارد. اما حالا عده‌اش چه مقدار است، اجماع چون قاصر است از دلالت بر مقدار عده با استصحاب اگر استصحاب جاری دانستیم، استصحاب جاری ندانستیم با برائت. بالأخره با اصل عملی حکم ثبوت عده را در این فرضی که مرحوم میرزای قمی به عنوان اشکال مطرح می‌کند ما ثابت می‌کنیم. به نظر می‌رسد هیچ مشکلی در مسئله نباشد.

و منهنا یظهر که در این مسئله آن چیزی که از کلام مرحوم سید استفاده می‌شود. مرحوم سید استفاده می‌شود که در عقد فاسد عدة، عدة عقد فاسد متعه عده‌اش، عدة متعه است. به نظر می‌رسد که مطلب ناتمام است. نه، شبهه اگر شبهة عقد متعه باشد، عده‌اش، عدة متعه است. لازم نیست معقوده بودن این زن مسلم باشد ولی معقوده بودن به نحو به عقد فاسد باشد. نه، ممکن است این زن اصلاً معقوده نباشد، ولی مرد به خیال معقوده بودن و به اعتقاد معقوده بودن چون مباشرت می‌کند اعتقاد مرد در نحوة معقوده بودن موطوئه آن اعتقاد را شارع به منزلة اعتقاد مطابق واقع قرار داده است و آن مدار بر او هست. دیگر بحثی در اینجا نیست.

ان‌شاءالله ادامة بحث‌های کتاب العدد را بعد از تابستان خدمت دوستان خواهیم بود. و این بحث‌ها را دنبال می‌کنیم. بعد از ماه محرم، بعد از ایام دهة اوّل محرم دیگر این بحث‌ها را دنبال خواهیم کرد. حدوداً فکر می‌کنم بیستم شهریور بتوانیم بحث‌ها را شروع کنیم. دقیق یادم نیست، ولی فکر می‌کنم آن زمان‌ها، زمان‌های مناسبی باشد برای شروع درس‌ها، ان‌شاءالله زمینه بشود که خدمت دوستان حضوری برسیم و حضوری بحث‌ها را دنبال کنیم. این بلیه را از قاطبة مردم به خصوص شیعیان مرتضی علی و مردم ایران برطرف کند ان‌شاءالله و بتوانیم خدمت دوستان حضوری برسیم. حالا اگر کمی و کسری و مشکلی در این ایام بود دوستان بر ما می‌بخشند و در مواضع اجابت دعا ما را از دعا فراموش نمی‌کنند. ما الآن در ماه حرام هستیم. ذی قعده و ذی حجه، ماه‌های مهمی است. ان‌شاءالله حال دعایی به شما دست داد، برای ما هم دعا کنید و ان‌شاءالله که مشمول عنایات دوستان باشیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

پایان